

فرمانده معظم کل قوا: «امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه‌ی غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برفراشته‌ی حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است. بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران (۱۳۹۷/۱۱/۲۳)

## مقاله پژوهشی: امنیت غرب آسیا و سناریوهای محتمل در افق ۱۴۰۴

محسن نوروزی<sup>۱</sup> و داوود فیاضی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۵

### چکیده

غرب آسیا منطقه‌ای است که کمتر روی آرامش دیده و همواره در منازعات و درگیری‌ها به سر برده و هرروز شاهد اتفاقات جدیدی است که قابل پیش‌بینی نیست؛ ترور نماینده رسمی یک کشور که به دعوت رسمی کشوری دیگر در آن کشور حضور می‌یابد توسط کشور سوم، انفجار بیروت و انواع تروریسم اعم از دولتی و غیردولتی، جنگ‌های نیابتی متعدد و ... تنها بخشی از اتفاقات این منطقه مهم هستند. آینده‌پژوهی علم و هنر شناخت و ساخت آینده به کمک رصد تغییرات به‌منظور پیشینه‌سازی منافع بازیگر است و سناریونویسی از روش‌های مهم آن به شمار می‌رود که توصیف‌هایی از محیط آینده‌های بدیل در اختیار می‌گذارد که تصمیم‌گیران را از غافلگیری راهبردی می‌رهاند. پژوهش پیش‌رو به لحاظ هدف «کاربردی» و از نظر رویکرد آمیخته، اکتشافی و با روش «شبکه جهانی کسب‌وکار (GBN)» به نگارش سناریو پرداخته است. داده‌ها از طریق منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و با ابزار فیش گردآوری شده و جامعه آماری این تحقیق شامل ۱۵ نفر از صاحب‌نظران و خبرگان بوده‌اند. این پژوهش با هدف استخراج سناریوهای آینده تهدیدات غرب آسیا در افق ۱۴۰۴ شکل گرفته است. مطابق نتایج این تحقیق، دو عدم قطعیت کلیدی «درگیری‌های نظامی و منازعات مسلحانه» و «هسته‌های نظامی منطقه‌ای» به تدوین سناریوهایی انجامید که سه سناریوی مهم آن به نام‌های «جهنم سوزان»، «اشباح سرگردان» و «آرامش قبل از طوفان» تدوین و راهکارهایی برای مدیریت تهدیدات متوجه ایران شامل توسعه فعالیت‌های مستشاری، افزایش فعالیت‌های دیپلماتیک، حمایت هوشمندانه از جریان مقاومت، مقابله با ائتلاف کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با رژیم صهیونیستی و توسعه اقتصادی ارائه گردیده است.

**واژگان کلیدی:** امنیت، غرب آسیا، سناریو، افق ۱۴۰۴، آینده‌پژوهی.

۱. دانش‌آموخته دکترای مدیریت آینده‌پژوهی دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول) - noruzi.m92@gmail.com

۲. دانش‌آموخته دکترای مدیریت آینده‌پژوهی دانشگاه عالی دفاع ملی - dr.fayyazi@chmail.ir

## ۱. کلیات

### ۱-۱. بیان مسئله

غرب آسیا منطقه‌ای ویژه به شمار می‌رود که به دلایل ایدئولوژیکی، ژئوپلیتیکی، ژئوکالچر و ژئواکونومیک هیچ‌گاه دوران طولانی ثبات و امنیت را تجربه نکرده و امنیت و ثبات همیشه در آن لغزنده و شکننده بوده است. برخی صاحب‌نظران معتقدند منطقه غرب آسیا پیش از هر چیز، یادآور بحران و منازعه است. وقوع دو جنگ جهانی، چهار جنگ گسترده بین اعراب و رژیم صهیونیستی، سه جنگ عظیم در خلیج فارس، جنگ‌های داخلی متمادی و متعدد، پیدایش و پدیداری جنبش‌های اسلامی مختلف و مخالف نظم موجود و بالاخره رشد چشمگیر بنیادگرایی اسلامی باعث شده‌اند تا منطقه غرب آسیا تداعی‌کننده درگیری باشد (Ayustns, 1995:35).

الگوهای سیال دوستی و دشمنی، تشدید رقابت تسلیحاتی قدرت‌های بزرگ در غرب آسیا و تشدید بی‌ثباتی‌ها و به دنبال آن جنگ‌های سایبری و تجاری باهدف در اختیار گرفتن بازارهای مصرف این منطقه، رقابت بر سر کسب منابع آب و انرژی، بحران مشروعیت دولت‌هایی که به طور عمده وابستگی‌های ساختاری آنها به غرب مانع از توسعه متوازن‌شان شده، اختلافات مرزی و جلوگیری از جریان صحیح واگذاری قدرت و چرخش نخبگان و بالاخره جنگ‌های نیابتی متعدد ... و مهم‌تر از همه بحران مشروعیتی که با برنامه‌ریزی چندلایه محور عبری-عربی غربی این روزها دامن گروه‌های مقاومت را در بر گرفته همگی از دلایلی است که باید به این منطقه توجه ویژه داشت و در این شرایط ساده‌اندیشی است که به فکر بحران‌های آینده نبود و برای بحران‌های احتمالی تدبیر ننمود. از طرفی آشکارسازی روابط رژیم صهیونیستی و ائتلاف با برخی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس که به دنبال توسعه نفوذ خود و خاموشی مقاومت و تلاش برای برجسته‌سازی ایران به‌عنوان تهدید مشترک از تحولات جدید منطقه است که نیازمند توجه بیشتر است. درعین حال مطلب مهم دیگر برای کنشگران این منطقه، این است که در آینده چه اتفاقاتی در این منطقه که ویژگی‌های منحصر به فردی دارد، رخ خواهد داد؟ آیا بازیگران مهم منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، دولتی و

فرو دولتی درگیر منازعات جدیدی خواهند شد؟ آیا بازیگران جدیدی به این بحران‌ها اضافه شده یا از این منطقه پر از چالش کناره‌گیری خواهند کرد؟ آیا در دوره جدید و با توجه به تغییر رئیس‌جمهور آمریکا اتفاقات اثرگذاری رخ داده و سیاست‌های او در این منطقه تغییر اساسی خواهد داشت؟ مسئله این تحقیق شناسایی آینده‌های بدیل ممکن و محتمل این منطقه در افق ۱۴۰۴ است.

### ۲-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

در شرایط پیچیده کنونی شناخت تهدیدات آینده موضوع بسیار مهمی است که به واسطه تداوم حیات هر یک از کنشگران تأمل جدی را طلب می‌کند. برای ج.ا.ایران نیز که یکی از بازیگران مهم این منطقه بوده و در عین حال دشمنانی چون آمریکا، رژیم صهیونیستی و عربستان را در پیش رو دارد، شناخت فضای آینده و برنامه‌ریزی برای بهره‌برداری حداکثری از فرصت‌های آن بسیار مهم و بلکه حیاتی به شمار می‌رود. آشکار است بی‌توجهی به تهدیدات این منطقه راهبردی از جهان می‌تواند حذف بازیگر از سپهر سیاسی و تضعیف اساسی آن را به دنبال داشته باشد. غرب آسیا کانون دسیسه‌چینی مستکبران عالم و قدرت‌های بزرگ برای کاهش سطح و عمق قدرت مقاومت در منطقه است. از این‌روست که انجام تحقیقی در خصوص وضعیت آینده امنیت غرب آسیا و ترسیم سناریوهای محتمل در افق ۱۴۰۴ پراهمیت می‌باشد. توجه به موضوع مهم آینده منطقه و تحلیل عوامل مؤثر، متغیرها، پیشران‌ها و عوامل کلیدی آن نقش فراوانی داشته و ج.ا.ایران را در بهره‌برداری از نتایج موفقیت‌آمیز آن یاری نماید. تبیین وضعیت آینده امنیت منطقه غرب آسیا به لحاظ علمی، پشتوانه‌ای پژوهشی برای انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی در آینده محسوب شده و زمینه توسعه دانشی در این حوزه را فراهم می‌آورد. همچنین دستاوردهای زیر متوجه نظام ج.ا.ایران می‌شود:

- (۱) تبیین وضعیت آینده و تعیین متغیرهای اثرگذار و اثرپذیر امنیت منطقه غرب آسیا؛
- (۲) کمک به تصمیم‌گیری صحیح برای مواجهه با سیاست‌های آینده جبهه استکبار در

منطقه غرب آسیا؛

- (۳) بهبود فرایند سیاستگذاری و افزایش کارآمدی نظام ج.ا.ایران در منطقه غرب آسیا.  
در صورت انجام نشدن این تحقیق تبعات منفی زیر دامن گیر نظام ج.ا.ایران می شود:
- (۱) تبیین نشدن وضعیت آینده امنیت منطقه غرب آسیا می تواند موجب ابهام در مسیر شناخت مسائل در این حوزه شود.
- (۲) بستر مناسب شناخت همه جانبه و جامع مسائل در این حوزه فراهم نمی گردد.

### ۱-۳. پیشنهاد تحقیق

- (۱) «میرحسینی و رحیم پور اصل» (۱۳۹۸) در مقاله ای با عنوان «سناریوهای پیش روی ایران در بحران های سوریه و عراق و راهبردهای برون رفت از آن ها» نشان دادند که احتمال تشکیل حکومت متحد و منسجم در عراق بیشتر است و در سوریه با توجه به قطب بندی ها و موازنه قوا، آینده آن وضعیت پیچیده تری دارد و احتمال تشکیل حکومت فدرالی در این کشور بیشتر است.
- (۲) «بهزاد قاسمی» (۱۳۹۷) در مقاله ای با عنوان «ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی» به بررسی گفتمان انقلاب اسلامی و نقش آن در جریان های اسلامی واپسین پرداخته است.
- (۳) «بصیری و آقامحمدی» (۱۳۹۶) در مقاله ای با عنوان «آینده پژوهی خاورمیانه طی سه دهه آینده، تحلیل روندهای مقابله با تروریسم» در پی پاسخ به این پرسش که با توجه به تداوم بحران های تروریستی در غرب آسیا، چه آینده محتمل و مطلوبی می توان برای روندهای مقابله با تروریسم در سطح بین المللی ترسیم کرد؟ سناریوهای تقویت همبستگی و انسجام جامعه بین المللی در مبارزه با تروریسم، با ویژگی های رهبری جدی تر سازمان ملل متحد؛ تعهد به رعایت حقوق بشر در مبارزه با تروریسم؛ شکل گیری راهبرد عملیاتی منسجم؛ پذیرش صلاحیت دیوان کیفری بین المللی برای مجازات عاملان اقدامات تروریستی و تقویت برابری و عدالت اقتصادی را، از محتمل ترین و مطلوب ترین چشم اندازهای روندهای مقابله با تروریسم در عرصه بین المللی در سه دهه آینده ارائه نموده و نتیجه گرفته اند.

(۴) «منتظران و قربانی» (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «سناریوهای پیش روی آینده عراق و تحلیل دورنمای حقوقی بین‌المللی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران» معتقدند سناریوهای تحولات آتی عراق، عبارتند از: سناریوی بازپس‌گیری مناطق اشغال‌شده عراق از دست داعش و تقسیم مسالمت‌آمیز، عادلانه و دموکراتیک قدرت در عراق (عراق دموکراتیک)؛ سناریوی اتحاد میان اقوام و مذاهب عراق و افزایش قدرت ملی عراق (عراق متحد و قدرتمند)؛ سناریوی افزایش اختلافات میان حکومت مرکزی، سنی‌ها و کردها و آغاز جنگ داخلی گسترده در عراق (عراق درگیر جنگ داخلی)؛ سناریوی تجزیه و تقسیم عراق به سه شکل (عراق تجزیه‌شده) که مطلوب‌ترین سناریو برای ایران، سناریو عراق دموکراتیک است.

(۵) «نوروزی و همکاران» (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «کاربست روش‌های آینده‌پژوهی در مطالعات امنیتی؛ استفاده از روش جی.بی.ان» به تشریح کاربرد روش‌های آینده‌پژوهی در مطالعات امنیتی؛ با استفاده از این روش پرداخته‌اند.

(۶) «علی‌پور و قیطاسی» (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «آینده‌پژوهی بحران سیاسی - امنیتی سوریه برپایه سناریونویسی» ضمن تحلیل بازیگران درگیر در بحران سوریه در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به‌منظور تبیین و ترسیم سناریوهای مختلف برای آینده این بحران، پنج سناریو، یعنی نابودی داعش و دیگر گروه‌های مخالف حکومت بشار اسد، تداوم جنگ داخلی، تجزیه سوریه، سقوط حکومت بشار اسد و شروع جنگ منطقه‌ای ارائه نموده، مطلوب‌ترین سناریو برای آمریکا و متحدان داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی را سقوط حکومت بشار اسد عنوان و ابراز داشته‌اند محور یادشده برای رسیدن به این مهم در مقابل حامیان اصلی بشار اسد (ایران و روسیه) از تمام اهرم‌ها بهره می‌برند.

(۷) «ترابی و موسوی» (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «سناریوهای پیشروی سوریه و امنیت ایران» معتقدند از میان بحران‌های متعددی که از آغاز تحولات عربی در این منطقه شکل گرفته، بحران سوریه به‌عنوان هسته مرکزی و اهرم تعادلی مابین صف‌بندی‌های قدیم و جدید منطقه است. اهمیت حیاتی سوریه به‌عنوان متحد راهبردی ج.ا.ایران سبب شده که

آینده این کشور در رأس موضوعات دارای اهمیت برای ج.ا.ایران قرار گیرد. با بهره‌گیری از روش سناریونویسی آینده‌های احتمالی بحران سوریه در قالب سناریوهای محتمل و ممکن و تبعات آن بر امنیت ج.ا.ایران را بررسی نموده است.

(۸) «حمید صالحی» (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «بیداری اسلامی و تکوین نظم نوین منطقه‌ای در خاورمیانه» سه سناریو محتمل و ممکن برای نظم نوین منطقه‌ای در روند بیداری اسلامی ترسیم کردند که عبارتند از: نظم اسلام‌گرایی انقلابی، نظم اسلام‌گرایی سلفی و نظم اسلام‌گرایی اخوانی. الگوی نظم مطلوب روایت سلفی، موازنه قواست. روایت اخوانی، گرایش به نوعی کنسرت قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای دارد و روایت انقلابی نیز بر آن است تا نظم و امنیت منطقه‌ای را از راه مدیریت دسته‌جمعی چندجانبه برقرار کند.

(۹) «منتظران و قربانی» (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «آینده‌پژوهی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در بستر تحولات ژئوپلیتیکی، تمامیت ارضی و بحران‌های داخلی عراق» این سؤال را طرح کردند که تأثیرات سناریوهای آینده‌پژوهانه تحولات ژئوپلیتیکی، تمامیت ارضی و ساختار سیاسی در عراق بر حوزه امنیت ملی ج.ا.ایران چه می‌باشد. نویسندگان با دو روش آینده‌پژوهی مبتنی بر سناریونگاری ضمن توصیف آینده‌های محتمل و نیز ارائه سناریوهای آینده تحولات عراق، با روش توصیفی تحلیلی به تبیین تأثیر هر یک از این سناریوها بر حوزه امنیت ملی ج.ا.ایران می‌پردازند.

(۱۰) «خسروی و خسبانی یزدانی» (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «آینده عراق و سناریوهای مربوط به آن» معتقدند عراق دارای نقش کلیدی و تعیین‌کننده‌ای است و با طراحی سناریوهای محتمل درباره تجزیه یا عدم تجزیه کشور عراق در دهه آتی، آینده این کشور به سه شکل پیش‌بینی می‌شود: ۱. سناریوی تجزیه عراق ۲. سناریوی جنگ داخلی در عراق ۳. سناریوی تقسیم عادلانه و دموکراتیک قدرت. هدف اصلی این مقاله، شناسایی آینده عراق با تأکید بر شرایط سیاسی و امنیتی حاکم بر این کشور است که در نهایت، نویسندگان به این نتیجه می‌رسند که بر مبنای سناریوهای گفته شده، در دهه آتی تجزیه عراق میسر نخواهد شد.

(۱۱) «سید شمس‌الدین صادقی و ایوب پروندی» (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «آینده‌پژوهی گروه‌های تکفیری و تأثیر آنها بر منازعات منطقه‌ای در غرب آسیا» با بهره‌گیری از تکنیک روندپژوهی به خلق این سناریوها پرداخته‌اند:

الف) سناریوهای مطلوب: ۱. سناریوی مطلوب اول: نابودی کامل گروه‌های تکفیری و شکل‌گیری حکومت‌های دموکراتیک در کشورهای درگیر منازعه بر اساس الگوی تقسیم قدرت؛ ۲. سناریوی مطلوب دوم: سرکوب موقتی گروه‌های تکفیری و حاکم شدن الگوی حکومتی جمهوری اسلامی عربی.

ب) سناریوهای محتمل: ۱. سناریوی محتمل اول: خارج شدن گروه‌های تکفیری از داعیه‌داری تشکیل حکومت؛ اما تقسیم داخلی قدرت در بین قومیت‌ها و مذاهب؛ ۲. سناریوی محتمل دوم: تجزیه سوریه، عراق، لیبی و سایر کشورهای درگیر بحران و شکل‌گیری بازیگران جدید در صحنه معادلات منطقه (تشکیل دولت کردستان در سطح منطقه).

ج) سناریوی ممکن: پیشروی نیروهای تکفیری مدعی حکومت اسلامی و تسخیر سرزمین‌های بیشتر.

(۱۲) «سید شمس‌الدین صادقی و کامران لطفی» (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «بحران یمن، جدال ژئوپلیتیکی محور محافظه‌کاری با محور اسلامی» به واکاوی علل تهاجم عربستان سعودی از گسترش اسلام شیعی در یمن پرداخته و فرضیه پژوهش خود را موازنه‌سازی عربستان در مناسبات قدرت منطقه‌ای و تضعیف محور مقاومت، از طریق تهاجم به یمن قرار داده است (صادقی و لطفی، ۱۳۹۵: ۴۲).

(۱۳) «مینایی و هادی‌نژاد» (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «روندپژوهی تهدیدهای آمریکا علیه ایران» به کمک روندپژوهی، تهدیدات آمریکا علیه ایران را آینده‌پژوهی نموده‌اند، ضمن دسته‌بندی انواع تهدیدات آمریکا در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی، اجتماعی، سایبری و اندیشه‌ای، راهکارهایی را برای مدیریت تهدیدات مذکور پیشنهاد نموده‌اند.

(۱۴) «محسن نوروزی و همکاران» (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «سناریوهای تهدیدات امنیتی عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴» به تدوین سناریوهای تهدیدات امنیتی عربستان سعودی در افق ۱۴۰۴ با روش «جی.بی.ان» پرداخته و ضمن ارائه چهار سناریوی بالاتر از سیاهی، افسارگسیخته، در مسیر تندباد و بازی خورده تنها، به کمک روش کوئست<sup>۱</sup> (دیدهبانی سریع محیطی) راهکارهایی را ارائه نموده‌اند.

(۱۵) «محسن نوروزی و همکاران» (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «آینده‌پژوهی مدیریت تهدیدات امنیتی عربستان در غرب آسیا» ضمن تحلیل کنشگران مؤثر در تهدیدات مورد بحث و آینده آنان، عوامل شتاب‌زا در توسعه تهدیدات را تحلیل نموده‌اند. موارد بالا نمونه‌هایی از کاربری آینده‌پژوهی و به‌ویژه روش سناریونویسی برای مطالعات امنیتی است که می‌تواند مورداستفاده مراکز تصمیم‌گیری امنیتی قرار گیرد.

#### ۴-۱. هدف‌های تحقیق

##### ۴-۱-۱. هدف اصلی

تبیین و استخراج سناریوهای آینده تهدیدات غرب آسیا در افق ۱۴۰۴.

##### ۴-۱-۲. هدف‌های فرعی

(۱) شناسایی سناریوهای محتمل غرب آسیا در افق ۱۴۰۴؛

(۲) شناسایی اهمیت و اولویت متغیرها و عوامل کلیدی و پیشران‌ها.

#### ۵-۱. سؤال‌های تحقیق

##### ۵-۱-۱. سؤال اصلی

سناریوهای آینده تهدیدات غرب آسیا در افق ۱۴۰۴ کدام‌اند؟



## ۱-۵-۲. سؤال‌های فرعی

- (۱) سناریوهای محتمل غرب آسیا در افق ۱۴۰۴ کدام‌اند؟  
 (۲) اهمیت و اولویت متغیرها و عوامل کلیدی و پیشران‌ها کدام‌اند؟

## ۱-۶. روش تحقیق

پژوهش پیش‌رو به لحاظ هدف «کاربردی» و از نظر رویکرد آمیخته اکتشافی است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و با روش «جی.بی.ان» برای نگارش سناریو پرداخته است. در این پژوهش تلاش شده تا با مرور ادبیات، مصاحبه با خبرگان و ابزار پرسشنامه به استخراج و وزن‌دهی عوامل کلیدی، پیشران‌ها و تعیین عدم قطعیت‌های حیاتی مؤثر در شکل‌گیری آینده‌های بدیل ممکن پرداخته و سپس تهدیدات آینده منطقه غرب آسیا با کمک سناریونویسی در افق ۱۴۰۴ توصیف شود.

جامعه آماری این تحقیق شامل ۱۵ نفر از صاحب‌نظران و خبرگان و کارگزاران حوزه امنیت، آینده‌پژوهی و علوم سیاسی با مدرک تحصیلی دکتری و کارشناسی ارشد بوده که به صورت هدفمند کیفی برگزیده شده‌اند. داده‌ها از راه منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و با ابزار فیش گردآوری و سپس با برخی صاحب‌نظران و خبرگان این حوزه مصاحبه هدفمند و عمیق انجام شده است. قاعده کلی در تعیین حجم نمونه در تحقیقات کیفی استفاده از حجم ۱ تا ۲۰ مورد است و برای تعیین حجم نمونه می‌توان از مرور ادبیات و تحقیقات مشابه نیز بهره برد (لیونبرگ، ۱۳۹۰:۲۵۳).

در خلال انجام این تحقیق افزون بر استفاده از «گروه کانونی»<sup>۱</sup> برای تکمیل گویه‌های استخراج‌شده از ابزار پرسشنامه استفاده شده و داده‌های آن برای روایی در اختیار خبرگان قرار گرفته و برای پایایی از «آلفای کرونباخ» استفاده شده که عبارت است از:

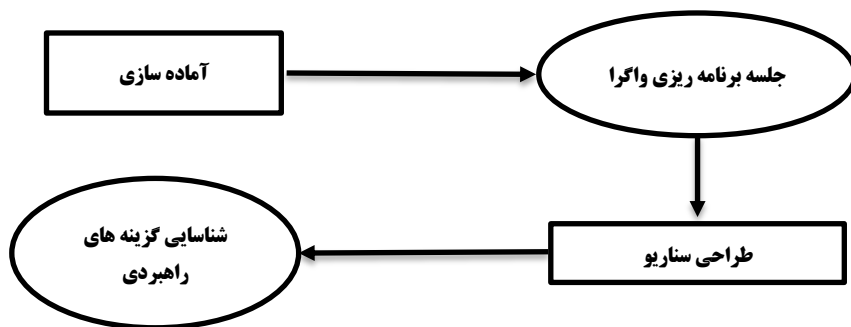
۱. گروه کانونی؛ نوعی مصاحبه دسته‌جمعی است که مصاحبه‌گر از یک گروه ۴ تا ۱۲ نفره سؤالات ویژه‌ای را پس از یک تحقیق قابل توجه می‌پرسد (لیونبرگ، ۱۳۹۰:۱۴۲).

جدول شماره (۱): پایایی ابزار تحقیق (پرسشنامه)

ردیف	پرسشنامه	پایایی
۱	پیشران‌ها و عوامل کلیدی	۰/۹
۲	تهدیدات غرب آسیا	۰/۸۵
۳	کنشگران اصلی غرب آسیا	۰/۸۹
۴	راهکارهای مدیریت تهدیدات	۰/۸۱

مراحل نگارش سناریو مطابق روش شبکه جهانی کسب‌وکار (GBN) از پیتر شوارتز در این تحقیق عبارت است از:

- (۱) مرحله نخست، شناسایی موضوع؛
  - (۲) مرحله دوم، شناسایی و مطالعه نیروهای کلیدی؛
  - (۳) مرحله سوم، یافتن نیروهای پیشران در کلان محیط؛
  - (۴) مرحله چهارم، دربردارنده رتبه‌بندی عوامل کلیدی و پیشران‌ها بر مبنای دو معیار میزان اهمیت در ایجاد تهدیدات منطقه‌ای و میزان عدم قطعیت احاطه‌کننده عوامل و روندها؛
  - (۵) مرحله پنجم انتخاب منطق سناریو؛
  - (۶) مرحله ششم شکل‌گیری و توسعه سناریوها؛
  - (۷) مرحله هفتم بررسی مضامین سناریوهای تهدیدات منطقه‌ای؛
  - (۸) مرحله هشتم؛ انتخاب پیش‌نشانگرها؛
  - (۹) سرانجام با توجه به دیده‌بانی به‌عمل‌آمده، از روش کوئست (دیده‌بانی سریع محیطی) برای ارائه توصیه‌های راهبردی استفاده شد (چرماک، ۱۳۹۳: ۱۶۴).
- دیده‌بانی سریع محیطی برای مقابله با آن دسته مسائل خارجی است که به‌سختی قابل‌شناسایی و مشاهده‌اند اما نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. اهداف نظام پویش محیطی به‌صورت کلی شامل پیگیری اتفاقات روندهای فنی، علمی، سیاسی اجتماعی و اقتصادی مهم برای سازمان و تبیین فرصت و تهدیداتی که هر یک برای سازمان به ارمغان می‌آورند (دهنویه و دیگران، ۱۳۹۵: ۹). در این روش امکان ارائه راهکارهایی برای مدیریت موضوع موردبحث در خلال جلسات خبرگی فراهم می‌شود (گلن، ۱۳۹۳: ۱۵۳).



شکل شماره (۱): فرایند روش کوئست دیده‌بانی سریع محیطی (نظری‌زاده و میرشاه ولایتی: ۱۳۹۰: ۸۷).

همچنین یادآور می‌شود از مرحله ششم به بعد برای بررسی روایی و منطق علی حوادث و نیز به‌منظور تأیید پیش‌نشانگرها و ارائه توصیه‌های راهبردی، سناریوهای طی دو نوبت و در دو جلسه علمی در پژوهشکده امنیت ملی و پژوهشکده دکترین در دانشگاه عالی دفاع ملی به قضاوت خبرگان سپرده شد.

## ۲. ادبیات و مبانی نظری تحقیق

### ۲-۱. غرب آسیا منطقه‌ای پرتنش

خاورمیانه منطقه‌ای جغرافیایی است که آنها دربرگیرنده کشورهای بین ایران و مصر معرفی می‌کنند. این اصطلاح اولین بار در سال ۱۹۰۲ میلادی توسط مورخ دریایی آمریکایی بنام «آلفرد ماهان»<sup>۱</sup> برای توصیف منطقه‌ای بین خاور دور و نزدیک مطرح شد. غرب آسیا در ایران به‌عنوان جایگزینی برای خاورمیانه به کار می‌رود. خاورمیانه و غرب آسیا هم‌پوشانی زیادی دارند، اما غرب آسیا شامل کشورهای قفقاز جنوبی مانند جمهوری آذربایجان و ارمنستان و گرجستان نیز می‌شود؛ اما خاورمیانه، قفقاز جنوبی را در بر نمی‌گیرد؛ اما با توجه به تعدد نام‌های مطرح‌شده در این مورد، رهبر معظم انقلاب<sup>(مدظله‌العالی)</sup> اصطلاح غرب آسیا را به‌جای خاورمیانه پیشنهاد داده‌اند. غرب آسیا یا جنوب غربی آسیا، منطقه‌ای در آسیاست که با جنوب خاور اروپا و شمال خاور آفریقا

1. Alfred Mahan

همسایه است. ایران هم به لحاظ این تقسیمات، در غرب آسیا واقع شده است (متقی، ۱۳۹۲). به طور کلی می‌توان گفت تعارضی در تعریف نظام امنیتی منطقه غرب آسیا وجود دارد مبنی بر اینکه غرب آسیا «منطقه‌ای بدون منطقه‌گرایی» است؛ بنابراین با وجود تشدید روند منطقه‌گرایی در سراسر جهان در دو دهه گذشته، غرب آسیا اغلب از این روندها دور مانده است. از منظر تطبیقی، در جهان معاصر، غرب آسیا از پایین‌ترین درجه همگرایی منطقه‌ای نسبت به سایر نقاط جهان برخوردار است. جدای از منازعه کشورهای اسلامی با رژیم صهیونیستی، این کشورها نیز هیچ پیوند منطقه‌ای پایداری را در بین خود ایجاد نکرده‌اند. از این رو، غرب آسیا به صورت یک منطقه منازعه و بی‌ثبات باقی مانده و ساختاری برای ایجاد ثبات و امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا ایجاد نشده است. پیروزی انقلاب اسلامی ایران و روی کار آمدن نظام مردمسالاری دینی در ایران، آثار بسیاری بر رفتار سیاسی مسلمانان کشورهای منطقه بر جای گذاشته است. در سال‌های اخیر نیز با وقوع بیداری اسلامی در منطقه، انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک الگو در این تحولات مطرح شده و در این راستا می‌توان چهار نقش را برای ج.ا.ایران در غرب آسیا تعریف نمود: الگوسازی، امیدبخشی، حمایت و رفع موانع (صادقی، ۱۳۹۵: ۵۷).

## ۲-۲. مجموعه امنیتی غرب آسیا

«باری بوزان»<sup>۱</sup> واضع نظریه مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای<sup>۲</sup> در مطالعات امنیتی و روابط بین‌الملل است. بوزان، جهان را به هفت منطقه جداگانه تقسیم کرده و تصریح نموده هر منطقه‌ای فرمول امنیتی ویژه خود را دارد و شیوه حل منازعه<sup>۳</sup> بین مناطق، از یکی به دیگری قابل تعمیم نیست. از نظر بوزان مجموعه امنیتی منطقه‌ای عبارت از تعداد واحدهایی است که

- 
1. Barry Buzan
  2. Regional Security Complexes
  3. Conflict Resolution

فرایندهای عمده امنیتی شدن و غیرامنیتی شدن (هردوی آنها) به گونه‌ای با مسائل امنیتی شان پیوند خورده که این واحدها نمی‌توانند مسائل امنیتی خود را بدون توجه به دیگر واحدهای منطقه تجزیه و تحلیل یا حل و فصل نمایند (بوزان، ۱۳۸۸: ۱۴۱). مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای به‌طور عمده به وسیله الگوهای دوستی و دشمنی که از لحاظ اجتماعی مبتنی بر عوامل تاریخی و فرهنگ‌های مشترک منطقه می‌باشند شکل می‌گیرد (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۴۱). از این حیث جریان‌های مذهبی، فرهنگی و تاریخی مانند اسلام در شکل‌گیری الگوهای دوستی و دشمنی در منطقه غرب آسیا نقش مهمی ایفا می‌کنند. به‌رغم وجود تعاریف گوناگون از منطقه غرب آسیا، بوزان به الگویی از وابستگی متقابل امنیتی اشاره دارد که پهنه‌ای جغرافیایی از مراکش تا ایران، شامل کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی را در برمی‌گیرد (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۱۸۷).

## ۲-۱-۲. شامات

نخستین و اصلی‌ترین زیرمجموعه شامات است که شامل رژیم صهیونیستی و همسایگان عرب آن می‌شود. اساس شکل‌گیری این زیرمجموعه، اشغال فلسطین و قدس شریف و شکل‌گیری رژیم غاصب صهیونیستی بوده است (خسروی، ۱۳۸۷: ۱۸۸). در منطق برخی اتفاقات این زیرمجموعه لازم است به «رهنامه ضاحیه» که اولین بار توسط «گادی ایزنکوت» مطرح شد، اشاره نمود؛ رهنامه ضاحیه نخست در اکتبر ۲۰۰۸ یعنی دو سال پس از جنگ ۳۳ روزه مطرح و طی آن حمله به مردم غیرنظامی مورد تصریح قرار گرفت تا رفتار بازیگر نظامی (حزب‌الله) به واسطه آن تنظیم و واپایش شود. همچنین توجه به رهنامه «بن‌بست کیسینجری» که از دهه ۷۰ میلادی در این منطقه پیاده شده بسیاری از گره‌های باز نشده منطقه را توضیح می‌دهد. راهبرد اساسی کیسینجر که در دوره‌های بعد نیز تداوم یافت، آن بود که جنگ در این منطقه از جهان همواره باید شعله‌ور بماند، این سیاست که برای بقای اقتصادی و نظامی آمریکا ضروری است به کمک رژیم صهیونیستی اجرایی می‌شود و همین امر توجیه‌کننده تعهد آمریکا به این رژیم است (چامسکی، ۱۳۹۷: ۷۹). یکی

دیگر از معضلات این منطقه بحث تروریسم است. بخشی از مهم‌ترین ویژگی‌های منطقه غرب آسیا در شکل شماره (۲) نشان داده شده است.

مناقشات مرزی	تنوع دینی و مذهبی	انرژی	مشکلات امنیتی و ساختاری	متغیرهای جهانی	بحران
<ul style="list-style-type: none"> <li>• کانون <b>منازعات مرزی و سرزمینی</b> است به علاوه مفهوم دولت ملت در غرب آسیایب معنی است.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• گروه‌های مذهبی و <b>تنوع قومی</b> بتانسیل های درگیری را بالا برده</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• ویژگی <b>ژئو اکونومیکی</b> آن یعنی منابع نفت و گاز بر پیچیدگی موضوع افزوده است.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، اقتصاد توسعه نیافته، دولت‌های ضعیف و شکننده، بحران مشروعیت و هویت، رشد تروریسم حجم وسیعی از بی‌ثباتی و ناامنی را ایجاد نموده است.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• نقش <b>متغیرهای جهانی و حضور قدرتهای فرا منطقه‌ای</b> باعث تشدید تنش‌ها و تقویت اختلافات میان کشورهای منطقه و قومیت‌ها شده است.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• منطقه‌ای <b>بحران‌زا</b> که کانون بحران جهانی بوده و کوهن آن را <b>کمر بند</b> <b>شکننده امنیت</b> خوانده است و معمای امنیت در بالاترین سطح وجود دارد.</li> </ul>

شکل شماره (۲): برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های امنیتی منطقه غرب آسیا (منبع: نویسندگان)

## ۲-۲-۲. خلیج فارس

دومین زیرمجموعه، خلیج فارس بوده که پس از خروج بریتانیا در سال ۱۹۷۱، شکل گرفته است. در این زیرمجموعه، رقابت سه‌گانه ایران، عراق و دولت‌های عرب خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی، محور اصلی را تشکیل می‌دهد (نعیمی ارفع، ۱۳۷۰: ۴۶). دو کشور مهم و اثرگذار ایران و عربستان خود را رهبر جهان اسلام و قدرت بلامنازع منطقه قلمداد نموده و تا پیش از انقلاب اسلامی ضمن رقابت، روابطی مبتنی بر احترام متقابل و در چارچوب رهنامه «دو ستون» نیکسون داشتند. مواضع انقلابی ایران پس از انقلاب باعث تشدید رقابت شده و حوادث بعدی نظیر جنگ تحمیلی، رقابت دو کشور را وارد مرحله جدیدی از رقابت سخت و البته چالش‌های اساسی و گاه همراه با خصومت نمود. امروز رشد تصاعدی حضور ایران در کشورهای عرب و غیرعرب منطقه از عراق و لبنان گرفته تا سوریه، بحرین، یمن و ... باعث شده تا برخی تحلیل‌گران عرب با ترویج ایران‌هراسی آن‌قدر خطر ایران را بزرگنمایی کرده که در عمل گفتمان همکاری با رژیم صهیونیستی را بی‌بگیرند (نوروزی، ۱۳۹۸: ۲۴). در عراق باروی کار آمدن نخست‌وزیر، «مصطفی الکاظمی»،

رویاری دو بازیگر با دخالت‌های آمریکا شکل خطرناکی به خود گرفته و در سوریه نیز درحالی که ج.ا.ایران سقوط بشار اسد را مغایر منافع ملی خود و محور مقاومت می‌دید، عربستان با حمایت مالی و معنوی از شورشیان درصدد ضربه زدن به محور مقاومت بوده و پیگیری مکرر مدیریت بحران لبنان از راه حمایت از جریان «۱۴ مارس» نشان داد شکاف بین این دو کشور بزرگ اسلامی عمیق‌تر از آن است که گمان می‌شد (نوروزی، ۱۳۹۷: ۱۴۳).

خلیج فارس همچنین از دو بعد عمده مورد توجه قدرت‌های جهانی است؛ اول انرژی و دوم موقعیت ارتباطی ممتازی که آن را به کانون و نقطه ثقلی در کریدور ارتباطی جهان مبدل کرده است. انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ نیز یک عنصر ایدئولوژیک مهم را به رقابت این کشور با عربستان اضافه کرد (نادری‌نسب، ۱۳۸۹: ۲۳).

وجود سطح بالایی از رقابت و تنش در روابط کشورهای این منطقه نشانه‌ای از نگرانی‌های شدید امنیتی همسایگان نسبت به یکدیگر و حاکم بودن فضای رقابتی بین آنهاست. به همین دلیل بررسی الگوهای روابط این کشورها و زمینه‌های شکل‌گیری الگوی مناسب روابط امنیتی در این منطقه از اهمیت بالایی در تحلیل ساختار آن برخوردار است (سازمند، ۱۳۹۵: ۱۵۱). این منطقه از جمله مناطقی است که از اهمیت زیادی در سیاست بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای برخوردار می‌باشد. سیاست‌های آمریکا و هم‌پیمانان وی مانند رژیم صهیونیستی نیز که تا پیش از ۱۱ سپتامبر بر سیاست مهار دوجانبه ایران و عراق و پس از آن بر بازدارندگی یک‌جانبه با الگوی تلافی گسترده و انعطاف‌پذیر استوار بوده است، نیز از پیشران‌های وقایع این منطقه‌اند (قاسمی و ماله‌میر، ۱۳۹۱: ۱۱۱) و البته این امر تلاش‌های ایران برای مدیریت تعارضات را بی‌نتیجه گذاشته است. برخی صاحب‌نظران معتقدند نظام امنیتی زیرنظام خلیج فارس با راه‌حل‌های سنتی تأمین نمی‌شود و باید یک نظام امنیتی خاص را برای آن لحاظ کرد همچنین به باور آنان راهبرد غرب در منطقه که بر اساس تفاهم با ابرقدرت بزرگ استوار است فاقد کارآمدی لازم بوده چراکه تمامی قدرت‌های منطقه‌ای مؤثر را از نفوذ محروم و نگاهی یک‌جانبه‌گرایانه به منطقه داشته است. هویت، نفت، حضور عامل بیگانه و رقابت برای

کسب قدرت، همگی از عوامل بی‌نظمی فعلی بوده و ضرورت ایجاد یک الگوی بهینه را یادآور می‌شود (سازمند، ۱۳۹۵: ۱۶۵).

### ۲-۲-۳. شمال آفریقا

سومین زیرمجموعه منطقه‌ای که انسجام ضعیف‌تری در مجموعه امنیتی غرب آسیا دارد، مبتنی بر مجموعه‌ای از روابط متغیر و شکننده میان لیبی، تونس، الجزایر و مراکش است (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۱۰۶) عامل قرارگیری این زیرمجموعه در مجموعه امنیتی غرب آسیا، درگیری اعضای آن در منازعه اعراب و رژیم صهیونیستی و همچنین، منازعات خلیج فارس است. همچنین باید به تعارض‌های دامنه‌دار قدرت‌های جهانی در لیبی اشاره کرد که هرروز عمق بیشتری پیدا می‌کند. البته الگوهای نظم منطقه‌ای در این مجموعه امنیتی، همواره در وضعیتی مبهم، سیال و متغیر قرار داشته‌اند و همین باعث شده تا «ساموئل کوهن» این منطقه را «کمربند شکننده» بنامد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۲۸).

### ۲-۳-۳. امنیت منطقه‌ای و ترتیبات امنیتی غرب آسیا

هدف هر الگوی امنیتی شکل‌دهی به نظم است. بازیگران در صحنه بین‌المللی به گونه‌های متفاوت از هم متمایز هستند. مؤلفه‌های شکل‌دهنده قدرت کشورها از نقطه‌نظر کیفی و کمی باهم متفاوت می‌باشند. با درک این واقعیت‌هاست که متوجه می‌شویم چرا الگوهای امنیتی یکسان به وسیله بازیگران ترسیم نمی‌شوند و اینکه چرا الگوها مرتب در معرض تحول و دگرگونی هستند (دهشیار، ۱۳۸۷: ۴۳). با توجه به تحولات منطقه‌ای چند سال اخیر و همچنین ویژگی‌های مؤلفه‌های محیط پیرامونی ایران، برخی از مهم‌ترین الگوهای امنیتی قابل طرح برای منطقه عبارت‌اند از:

### ۲-۳-۱. الگوی موازنه قوا

الگوی امنیتی موازنه قوا بر اساس رهیافت فکری هابز قوام می‌یابد که تأکید دارد قدرت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این الگو می‌بایست به ائتلاف‌ها توجه داشت (دهشیار،



۱۳۸۷: ۴۷). واژه موازنه قوا از یک طرف، برای تحلیل و توصیف وضعیت‌های موجود و عینی امور و از طرف دیگر، در نقش نظریه و الگویی برای هدایت سیاست خارجی و طراحی راهبردها که در زمان صلح از معنای اول و در زمان بحران و جنگ از معنای دوم استفاده شده است (عبدالله‌خانی، ۱۳۹۰: ۵۲). به نظر می‌رسد یکی از الگوهای تحلیل وقایع منطقه، نظریه موازنه قدرت نواقع‌گرایی است که مانند واقع‌گرایی کلاسیک به ماهیت آنارشیک نظام بین‌الملل باور دارد و نظام بین‌الملل را متشکل از واحدهایی می‌داند که بازیگران اصلی آن، دولت‌های دارای حاکمیت ملی هستند و به دلیل ذات آنارشیک نظام بین‌الملل، همه دولت‌ها برای تأمین بقا و امنیت، بر قابلیت‌های داخلی خود تکیه می‌کنند و به دلیل آنکه قابلیت‌ها در ساختار نظام بین‌الملل به‌طور یکسان توزیع نشده، دولت‌ها با فرصت‌ها و تهدیدات متفاوتی روبه‌رو خواهند بود (شیرخانی و مهاجرپور، ۱۳۹۱: ۲۱). نواقع‌گرایان، ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل را موجب بی‌اعتمادی و سوءظن کشورها نسبت به یکدیگر می‌دانند. آنها همواره از خطر حمله و تجاوز دیگران در ترس و هراسند. از این رو، مهم‌ترین عاملی که کشورها را به امنیت‌طلبی در رفتار خود وامی‌دارد، عدم اعتماد و اطمینان از انگیزه‌ها و نیت دیگران است (جعفری، ۱۳۹۷: ۴). از این رو هرگونه جابه‌جایی در ساختار قدرت سیاسی کشورهای منطقه، دارای پیامدهای راهبردی برای کشورهای مختلف خواهد بود و نه تنها منجر به ایجاد خلأ قدرت در محیط منطقه‌ای می‌شود بلکه می‌توان آن را زمینه‌ساز دگرگونی‌های بنیادی‌تری در حوزه امنیت منطقه‌ای دانست. در این فرایند عربستان و ترکیه و رژیم صهیونیستی تلاش دارند تا با کاهش نقش ایران در برقراری امنیت منطقه‌ای بر موازنه منطقه‌ای اثرگذار باشند. به همین دلیل آنان از یک‌سو درصدد تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای علیه ایران هستند، از سوی دیگر، تلاش می‌کنند تا موج‌های جدید نوگرایی را در حوزه شکل‌بندی‌های قدرت منطقه‌ای تحت تأثیر قرار دهند تا شکل‌بندی امنیت منطقه‌ای براساس موازنه قدرت در غرب آسیا را ترسیم کنند (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۳۵). البته یکی از نقدهایی که به نظریه والتز وارد شده، این است که چرا باگذشت چند دهه پس از جنگ سرد، کشورها بیشتر راهبرد پیروی از قدرت هژمون را دنبال کرده و نه موازنه قوا را، چنانچه این

امر در منازعات میان ایران و عربستان نیز قابل تحلیل است اما به نظر می‌رسد همچنان نظریه موازنه قدرت یکی از بهترین الگوهای تحلیل رفتار کنشگران منطقه غرب آسیا می‌باشد (سازمند، ۱۳۸۹: ۲۵۶).

### ۲-۳-۲. الگوی مشارکتی یا دسته‌جمعی

مفهوم اجتماع امنیتی اولین بار در دهه ۱۹۵۰ از سوی «ریچارد ون و گنر» مطرح شد و در سال ۱۹۵۷، از سوی «کارل دویچ» و همکارانش بهره‌برداری شد (عبدالله‌خانی، ۱۳۹۰: ۷۲). این الگو که بر اساس منطق نظری یا رهیافت «گروسیوسی» بنیاد یافته تأکید را بر اولویت معیارهای اخلاقی و حقوقی می‌گذارد و در آن بازیگران ذاتاً از هم‌سویی و اشتراک منافع برخوردارند (دهشیار، ۱۳۸۷: ۴۹).

### ۲-۳-۳. الگوی امنیتی هژمونیک

«هژمونی»، از واژه هژمون یونانی به معنای رئیس یا فرمانروا و اشاره به تسلط یا تفوق کشوری بر کشورهای دیگر از طریق دیپلماسی یا تهدید و یا پیروزی نظامی دارد (ارمکی و رضایی، ۱۳۸۵: ۳). با بررسی شرایط منطقه و الگوهای تبیینی، الگوی امنیتی فعلی حاکم بر منطقه، الگوی موازنه قوای مبتنی بر رهیافت هابزیست که در عمل چندان پاسخگوی مشکلات فعلی منطقه نبوده است؛ این به آن معناست که رهبران و نخبگان تصمیم‌گیر در صحنه سیاست خارجی کشورهای این منطقه بر اساس این درک به تعریف دنیا می‌پردازند که بالاترین ارزش‌ها همان قدرت نظامی است و عنصر محوری در صحنه بین‌الملل دولت‌ها هستند که دارای منافع متعارض می‌باشند. پس بهترین روش برای حیات بخشیدن به امنیت، انباشت مداوم قدرت است (دهشیار، ۱۳۸۷: ۴۹). به همین دلیل پاره‌ای دیگر از محققین الگوی امنیتی مشارکتی را پیشنهاد نموده‌اند که البته در عمل، برای تحقق، مشکلاتی را در مقابل خود داشته است.

## ۲-۴. آینده پژوهی و مطالعات امنیتی

آینده پژوهی علم و هنر شناخت آینده به کمک رصد تغییرات و تغییرسازها برای ساخت آینده‌ای بهتر و پیشینه کردن منافع مادی و معنوی بازیگر است. ارزش آینده پژوهی بیش از آنکه به درستی پیش بینی‌ها باشد به مفید بودن آن در برنامه ریزی و گشودن ذهن‌ها برای توجه بیشتر به فرصت‌های نوپدید و تغییر دستورکارهای سیاسی است (گلن، ۱۳۹۳: ۲۷). آینده پژوهی می‌کوشد تا نیروهای حال و آینده را شناسایی کند تا تصمیم‌های بهتری گرفته شود (گلن، ۱۳۹۳: ۳۵). یک انگیزه مهم برای کار آینده پژوهی برآورد تغییر و آمادگی برای روبه‌رو شدن با آینده است. «اسلاتر» اعتقاد دارد آینده پژوهی پیشگویی نیست، به دنبال آن هم نیست، بلکه به شناخت مخاطرات مربوط می‌شود چراکه همواره عواملی وجود دارد که تصمیمات روزمره ما را در معرض مخاطره قرار می‌دهد (اسلاتر، ۱۳۸۶: ۶۱). آینده پژوهی علم و هنر کشف و ساخت آینده نیز هست (ملکی‌فر و همکاران، ۱۳۸۵: ۷). البته برخی دیگر اعتقاد دارند که هدف غایی آینده پژوهی پیش‌بینی آینده نیست بلکه تعالی دنیای آینده است (کورنیش، ۱۳۸۸: ۹۷). عمل‌گرایی آینده‌پژوهان آنها را قاطعانه در زمره فعالان عرصه اجتماع قرار می‌دهد. اقدام اجتماعی، پدیده اجتماعی است، در محیط اجتماعی رخ می‌دهد و از واکنش‌های دیگران متأثر می‌شود و در سایه سیاست‌گذاری تحقق می‌یابد (بل، ۱۳۹۲: ۳۳۶). آینده پژوهی جعبه‌ابزاری از روش‌ها را پیش‌روی پژوهشگران قرار می‌دهد که سناریونویسی بی‌شک از مهم‌ترین آنهاست و در بین روش‌های متعدد نگارش سناریو، روش‌های کیفی و خبره محور به دلیل امکان استخراج راهکارهای مدیریت موضوعات بر اساس نظر خبرگان، قابل توجه است. نکته مهم در توسعه روزافزون استفاده از برنامه‌ریزی بر پایه سناریو، نگرانی از بی‌ثباتی، پیچیدگی و عدم قطعیت‌هایی است که برنامه ریزان و تصمیم‌گیران را هراسان نموده است (چرماک، ۱۳۹۳: ۱۵۸). «پیتر شوارتز» سناریو را «ابزاری برای نظم بخشیدن به دریافت‌های ذهنی درباره محیط‌های آینده بدیل که در آن تصمیمات می‌توانند به اجرا گذاشته شوند» می‌داند. «سیمپسون» آن را «فرایند ساخت آینده‌های بدیل محیط بیرونی یک کسب‌وکار» خوانده است. «بلوم و منفی» سناریو را «توصیفی از یک آینده ممکن و یا

محتمل خوانده‌اند» «کالینز» آن را «یک جهش خیال پردازانه به سوی آینده» دانسته، «شومیکر» سناریو را «یک روش‌شناسی سازماند اصولی برای ترسیم آینده‌های ممکن که در آن تصمیم‌های اجرایی می‌توانند به اجرا درآیند» دانسته است (جرماک، ۱۳۹۳: ۵۷-۵۵). سناریوها داستان‌های بدیل چگونگی ظاهر شدن آینده هستند (مایتز و گویدو، ۱۳۸۸: ۱۶). منطق شهودی سناریوسازی که در این پژوهش نیز مورد استفاده قرار گرفته، متداول‌ترین فنون سناریوسازی در منابع موجود است، وظایف تصریح‌شده فرایند سناریوسازی به‌طور کلی در گروه‌های تسهیل شده انجام می‌شوند که در اصل گروه‌های خلاق و با اتکای سنگین به قضاوت‌های ذهنی و فردی یا شهود نظم‌یافته اعضای گروه است (برادفیلد، ۲۳۷: ۱۳۸۶). روش «شبکه جهانی کسب‌وکار» موسوم به «جی.بی.ان» (GBN) از مهم‌ترین روش‌های نگارش سناریو که یک روش کیفی و خبره‌محور در نگارش سناریو است در این تحقیق مورد استفاده است. در این روش با محاسبه عدم قطعیت‌های کلیدی، شناسایی پیشران‌ها و عوامل کلیدی تغییرات و دسته‌بندی عوامل یادشده بر اساس میزان اهمیت در بروز تغییرات آینده، فضای آینده مورد توصیف قرار می‌گیرد.

### ۳. یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل آنها

۳-۱. عوامل کلیدی تغییر، پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های مؤثر در شکل‌گیری آینده

#### منطقه غرب آسیا

عوامل کلیدی و پیشران‌های مؤثر که از خلال مرور ادبیات، مصاحبه با خبرگان و

گروه‌های کانونی گردآوری شده عبارت‌اند از:

جدول شماره (۲): عوامل کلیدی و پیشران‌های مؤثر در بروز تهدیدات غرب آسیا

نوع عامل	عوامل کلیدی و پیشران‌های مؤثر در بروز تهدیدات غرب آسیا	اهمیت در بروز تهدیدات جدید ۰-۱۰	عدم قطعیت ۰-۱۰
سیاسی - نظامی و امنیتی	دولت‌های ورشکسته، بی‌ثباتی و درگیری‌های داخلی	۷/۶۴	۴/۰۷
	ائتلاف‌سازی‌های منطقه‌ای و جهانی از سوی قدرت‌های فرامنطقه‌ای	۵/۲۹	۴/۰۷
	پیوندهای راهبردی غرب با موازنه‌سازهای منطقه‌ای عربستان و رژیم صهیونیستی در ایجاد نظم امنیتی جدید	۶/۲۱	۳/۷۹
	توسعه روابط غرب با برخی کنشگران منطقه به منظور تغییر موازنه قدرت	۴/۰۷	۳/۲۹
	توسعه درگیری‌های نظامی و منازعات مسلحانه	۷/۰۰	۴/۷۶
	افزایش توان نظامی (خرید-ساخت) برخی بازیگران منطقه‌ای	۵/۷۱	۳/۶۴
	ایجاد هسته‌های نظامی منطقه‌ای مانند ناتوی عربی	۴/۴۳	۵/۳۶
	گسترش تروریسم و افراطی‌گرایی	۶/۶۴	۴/۵۰
	تحمیل نظم امنیتی غیربومی و توسعه تنش‌های ژئوپلیتیک	۵/۶۴	۳/۷۱
	سیاست آمریکا در ارتباط با بحران‌های منطقه‌ای مانند سوریه، قطر، یمن و عراق در دامن زدن به بحران‌ها	۵/۵۰	۳/۷۱
	تحمیل نظم امنیتی غیربومی	۵/۷۹	۳/۸۶
	همگرایی برخی کنشگران منطقه‌ای علیه برخی دیگر	۶/۱۴	۴/۲۱
زیست محیطی	حکومت‌های خودکامه، ضعف مردمسالاری و جلوگیری از گردش نخبگان	۶/۸۶	۴/۰۷
	تشدید چالش‌های زیست‌محیطی، تغییرات آب و هوایی و تقابل همسایگان	۷/۱۴	۳/۹۳
	کاهش امنیت غذایی	۵/۸۶	۴/۴۳
	تشدید اختلافات مرزی کشورهای منطقه	۴/۷۹	۴/۱۴
فرهنگی و اجتماعی	توسعه بیوتوریسم از سوی برخی کشورهای منطقه	۴/۰۰	۳/۸۶
	گسترش خشونت‌های قومی مذهبی در منطقه	۶/۳۶	۴/۲۱
	رشد بی‌عدالتی و نابرابری اجتماعی، افزایش نارضایتی‌ها و بروز بحران مشروعیت و در ادامه تغییر حکومت	۵/۷۹	۳/۷۱
	بروز چالش‌های جمعیتی بدون توسعه زیرساخت‌های اقتصادی-اجتماعی	۵/۶۴	۳/۷۱

نوع عامل	عوامل کلیدی و پیشران‌های مؤثر در بروز تهدیدات غرب آسیا	اهمیت در بروز تهدیدات جدید ۰-۱۰	عدم قطعیت ۰-۱۰
	جمعیت عظیم جوان خواهان تغییرات اساسی	۵/۷۱	۳/۶۴
	ترویج هنجارها و ارزش‌های غربی	۴/۵۰	۳/۷۹
	ترویج گفتمان‌های افراطی و تندرو و توسعه خشونت در سطح منطقه	۵/۹۳	۴/۳۶
	غلبه شبکه‌های اجتماعی و پایان اقتدار رسانه‌ای حکومت‌ها	۵/۳۶	۴/۴۳
اقتصادی	غلبه اقتصاد انرژی و تأثیر بازار بین‌المللی انرژی بر روی برخی بازیگران	۵/۱۴	۴/۲۹
	رشد و توسعه تنش‌های ژئواکونومیک	۵/۰۰	۳/۸۶
	کمبود منابع فسیلی و انرژی	۴/۵۷	۳/۵۷
	گسترش فقر و بیکاری و ضعف اقتصادی کشورهای منطقه	۵/۵۷	۳/۲۱
	فساد و تبعیض و گسترش شکاف‌های طبقاتی	۵/۷۹	۳/۹۳
فناورانه	تشدید رقابت‌های اقتصادی کنشگران منطقه‌ای	۴/۷۹	۳/۹۳
	توسعه فناوری‌های نوین ارتباطی	۵/۳۶	۴/۵۰
	توسعه فناوری‌های نظامی	۵/۲۹	۳/۵۰
	گسترش فضای مجازی و رشد تهاجم‌های سایبری	۵/۶۴	۳/۹۳

### ۲-۳. تهدیدات منطقه غرب آسیا

اصلی‌ترین تهدیدات غرب آسیا از سوی خبرگان به ترتیب اهمیت؛ بحران مشروعیت و فروپاشی از درون، بحران آب، بازیگران تندرو غیردولتی، نبردهای نیابتی، نبردهای قومی- مذهبی و فساد سیاسی اقتصادی اعلام و اصلی‌ترین بازیگران منطقه نیز از آمریکا، عربستان سعودی، ایران و رژیم صهیونیستی، داعش، ترکیه، روسیه و اتحادیه اروپا بوده‌اند. جدول شماره (۳) به نوعی از تهدیدات مقابل روی کشورمان در غرب آسیا شمرده می‌شوند.

## جدول شماره (۳): تهدیدات منطقه غرب آسیا و میزان اهمیت آنها

ردیف	تهدیدات	میزان اهمیت در بروز بحران‌های منطقه‌ای ۱۰-۰
۱	وابستگی سیاسی و اقتصادی	۵/۱
۲	بحران مشروعیت و فروپاشی از درون	۷/۷
۳	بازیگران تندرو غیردولتی	۶/۸
۴	نبردهای نیابتی	۶/۸
۵	نبردهای قومی- مذهبی	۶/۶
۶	مداخلات خارجی در برخی کشورها	۵/۶
۷	چالش‌های ژئوکالچر منطقه	۴/۳
۸	فروپاشی به واسطه نبردهای نظامی تمام‌عیار	۵/۴
۹	چالش‌های ژئوپلیتیک منطقه	۵/۳
۱۰	فساد سیاسی اقتصادی	۶/۴
۱۱	چالش‌های ژئواکونومیک منطقه	۴/۹
۱۲	بحران آب	۷/۱

## ۳-۳. کنشگران مؤثر در بروز تهدیدات آینده منطقه غرب آسیا

لازم است تأکید شود «توجه به بازیگران و تهدیدات اصلی از آنجا مهم است که سرمایه‌گذاری نابجا بر روی هر یک از بازیگران می‌تواند تلاش‌های کنشگران را برای حصول نتیجه مطلوب از مسیر خود خارج نماید». خبرگان این تحقیق کنشگران مؤثر را به شرح زیر اعلام نموده‌اند:

جدول شماره (۴): کنشگران مؤثر در بروز تهدیدات آینده منطقه غرب آسیا

نوع کنشگری	عنوان کنشگر	درجه اهمیت بازنگر و میزان تأثیر در بروز تهدیدات منطقه‌ای		
		بی تأثیر ۰	کم تأثیر ۱	مؤثر ۲ بسیار مؤثر ۳
کنشگران منطقه‌ای	ج.ا.ایران		۲/۵۷	
	عربستان سعودی		۲/۷۱	
	شورای همکاری خلیج فارس		۱/۵۰	
	عراق		۱/۵۰	
	امارات عربی متحده		۱/۶۴	
	قطر		۱/۴۳	
	ترکیه		۲/۳۶	
	رژیم اشغالگر قدس		۲/۷۱	
	پاکستان-افغانستان		۱/۲۱	
	مصر		۱/۱۴	
	عمان		۰/۹۳	
	حزب الله لبنان		۱/۷۱	
	داعش و جریان‌های تکفیری		۲/۱۴	
	القاعده		۱/۵۰	
انصار الله یمن		۱/۴۳		
کنشگران بین‌المللی	سوریه		۱/۴۳	
	آمریکا		۲/۷۹	
	اتحادیه اروپا (انگلیس و...)		۱/۶۴	
	چین		۱/۲۱	
	کشورهای جنبش عدم متعهد		۰/۶۴	
	روسیه		۱/۷۹	
	اتحادیه عرب		۰/۸۶	
	شورای امنیت سازمان ملل		۱/۵۰	
سازمان همکاری‌های اسلامی		۰/۷۱		

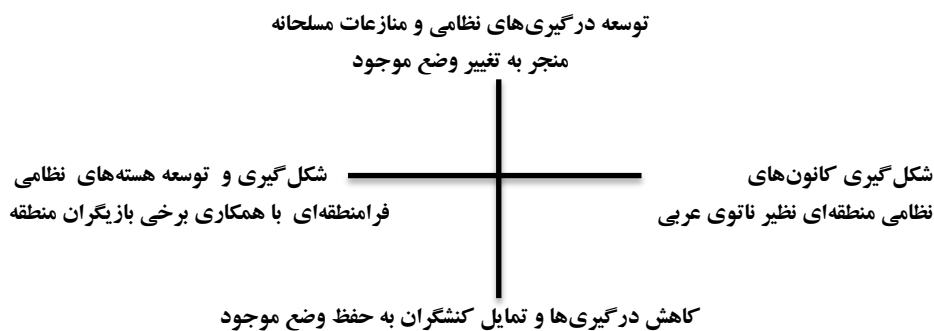


از منظر این تحقیق و مطابق نظر خبرگان از میان کنشگران منطقه‌ای، عربستان و رژیم اشغالگر قدس و سپس ج.ا.ایران، ترکیه و داعش و جریان‌های تکفیری و در بین کنشگران بین‌المللی آمریکا، روسیه و چین کنشگران مؤثری در بروز تهدیدات غرب آسیا بوده‌اند. لازم به گفتن است در بین کنشگران بیشترین امتیاز را آمریکا به خود اختصاص داده است.

#### ۴. نتیجه‌گیری

##### ۴-۱. جمع‌بندی

با توجه به سه عدم قطعیت کلیدی مستخرجه شامل توسعه درگیری‌های نظامی و منازعات مسلحانه و ایجاد هسته‌های نظامی منطقه‌ای، سه سناریو که از سوی نگارندگان این تحقیق «جهنم سوزان»، «اشباح سرگردان» و «آرامش قبل از طوفان» نام گرفت، به شرح زیر تدوین گردید:



شکل شماره (۳): ماتریس سناریوهای آینده تهدیدات غرب آسیا

۴-۱-۱. جهنم سوزان؛ بدترین سناریو، توسعه درگیری‌های نظامی و گسترش هسته‌های نظامی درگیری‌های نظامی در منطقه غرب آسیا تداوم‌یافته و منازعات مسلحانه به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم میان کنشگران گسترده‌تر می‌شود، برخی بازیگران با ایجاد ائتلاف‌های فرامنطقه‌ای علیه سایر بازیگران تلاش می‌کنند افزون‌بر رفع تهدید، امنیت خود را حفظ

نمایند. همراهی نظامی عربستان و رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای منطقه، درگیری‌هایی را در خلیج فارس با ایران به دنبال خواهد داشت. تلاش آمریکا و متحدین این کشور برای ایجاد نوعی موازنه غیربومی افزایش می‌یابد. همزمان نقاط آشوب در سوریه، یمن، لبنان، افغانستان، عراق، لیبی و سودان گسترده‌تر می‌شود. در این شرایط رژیم صهیونیستی تلاش دارد ضمن برخورد های سخت نظامی حماس و حزب الله با ایجاد بحران مشروعیت برای گروه‌های مقاومت آنها را زمین گیر کند تا در صورت بروز درگیری در خلیج فارس از یاری ایران باز بمانند. پاکستان نفوذ خود را در افغانستان گسترش داده و نیروهای تکفیری فضای جغرافیای بیشتری برای فعالیت خود پیدا کرده‌اند. گروه‌های افراطی مانند داعش به صورت رادیکال‌تر در کشورهای مختلف منطقه با محوریت عراق و سوریه دوباره سعی در احیای خلافت اسلامی داشته‌اند. جنگ‌های قومی و مذهبی با هدایت آمریکا و به دلیل ضعف سیاسی بازیگران منطقه‌ای و وابستگی‌های ساختاری ایشان منطقه را به جهنمی سوزان تبدیل کرده و هزاران کشته، فقر و بیماری محصول این سیاست‌ها و جنگ‌هایی است که به دنبال آن رخ داده است. توسعه بحران‌های منطقه‌ای و نظامی‌گری در سطح منطقه، تعمیق گسستگی‌ها و واگرایی‌های منطقه‌ای به‌ویژه در سطح سازمان‌های منطقه‌ای نظیر اتحادیه عرب، شورای همکاری و ...، تغییر آرایش نیروهای نظامی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، افزایش فعالیت‌های اطلاعاتی و خریدهای نظامی، افزایش تنش‌های گروه‌های مقاومت با مردم خود در کشورهای عضو محور می‌توانند از پیش‌نشانگرهای این سناریو باشند.

#### ۴-۱-۲. اشباح سرگردان، کاهش درگیری‌ها و تمایل بازیگران به حفظ وضع موجود

اغلب کنشگران غرب آسیا با توجه به سیاست‌های رئیس‌جمهور بایدن و اولویت مدیریت چین و روسیه و نگرانی‌های متعدد امنیتی تمایلی به ایجاد درگیری‌های جدید سیاسی و نظامی نداشته تلاش می‌کنند بحران‌های منطقه تشدید نشود؛ درعین حال با توجه به نگرانی‌های موجود از بی‌ثباتی‌های غرب آسیا، کنشگران مهم، ترجیح می‌دهند با ائتلاف‌سازی خارجی به‌ویژه از طریق همراهی با رژیم صهیونیستی، بازدارندگی ایجاد

نموده و هر یک از بازیگران متحدانی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در کنار خود داشته باشند. با تداوم پروژه ایران‌هراسی، بیشتر کنشگران زیرنظام خلیج فارس ترجیح می‌دهند امنیت خود را از طریق ائتلاف با آمریکا و به‌ویژه رژیم صهیونیستی تأمین نمایند. با وجود آتش‌بس در یمن و زمینه‌سازی تشکیل دولت آشتی ملی، سعودی‌ها با کارشکنی و دخالت‌های مکرر رژیم صهیونیستی، اوضاع این کشور را همچنان آشفته نگه می‌دارند و فضای سیاسی بین‌المللی علیه ایران و جبهه مقاومت را سنگین کرده‌اند. در این شرایط عربستان به دنبال کاهش تنش‌های درونی شورای همکاری خلیج فارس و همراه نمودن بازیگرانی چون کویت، قطر و عمان و افزایش نفوذ خود در این شورا است. بحران‌های زیست‌محیطی بین کشورهای منطقه گاهی اوقات مناقشات محدودی را به همراه دارد. به دنبال دستیابی حماس و حزب‌الله به تسلیحات موشکی نقطه‌زن و شکست‌های اخیر ارتش رژیم صهیونیستی در مرزهای لبنان و تهاجم به نوار غزه، این رژیم در حال تلاش برای بازکردن جبهه جدیدی در لبنان، سوریه، فلسطین و یا یمن برای جبران شکست‌های گذشته و با همراهی عربستان و امارات، در چارچوب «رهنامه ضاحیه» تلاش وافی برای ایجاد بحران مشروعیت گروه‌های مقاومت اعم از حشد الشعبی و حزب‌الله نموده، توسعه درگیری‌ها به مناطق غیرنظامی با افزایش هزینه غیرنظامیان و تخریب زیرساخت‌های حیاتی و حساس کشورهای عضو محور، فشارهای روانی قابل توجهی را برای این گروه‌ها به همراه داشته است. توسعه مذاکرات و نشست‌های غیرنظامی برای مدیریت بحران‌های منطقه‌ای، پیچیده‌تر شدن تحولات سودان، لیبی و یمن، حضور نیروهای نظامی فرامنطقه‌ای و چندملیتی در منطقه و در ارتباط با بحران‌های نظامی منطقه‌ای و تسریع در روند یهودی‌سازی قدس می‌توانند از پیش‌نشانگرهای این سناریو باشند.

#### ۴-۱-۳. آرامش قبل از طوفان، بهترین سناریو؛ تمایل کنشگران به کاهش درگیری‌ها

سیاست‌های رئیس‌جمهور بایدن برای تمرکز بر مهار روسیه و چین و کاهش آستانه تحمل جوامع کشورهای منطقه به‌واسطه طولانی شدن درگیری‌ها، بحران‌ها و تنش‌های نظامی و غیرنظامی و فشارهای داخلی بر دولت‌های منطقه برای بهبود وضع زندگی مردم و

افزایش رفاه اجتماعی، بحران همه‌گیری کرونا و آسیب‌های شدید اقتصادی مرتبط با آن دولت‌ها را وادار به پرهیز از ورود به هرگونه درگیری و بحران جدید نموده است. قدرت‌های فرامنطقه‌ای اعم از روسیه، آمریکا و ... به‌واسطه بحران‌های داخلی و پیرامونی و تغییرات نقاط کانونی تمرکز مجبور به کاهش حضور و نفوذ در منطقه شده‌اند، رژیم صهیونیستی به‌واسطه سیاست‌های اشغالگرانه در ارتباط با قدس، تحت فشار افکار عمومی جامعه بین‌الملل قرار گرفته و محدود شده است. بحران‌های زیست‌محیطی و آب نیاز برخی کشورهای منطقه را به همکاری با دیگر کشورهای منطقه برای حل موضوع افزوده است. تلاش بازیگران برای ایجاد و توسعه هسته‌های نظامی منطقه‌ای باعث گردآمدن برخی کشورهای منطقه در کنار یکدیگر برای ایجاد نظام امنیت دسته‌جمعی منطقه‌ای شده است. رشد بی‌عدالتی اجتماعی در اغلب کشورهای این منطقه باعث بروز درگیری‌هایی در آنها شده و جمعیت جوان مطالبه‌گر و شبکه‌های اجتماعی باعث افزایش خواسته‌های مردم این کشورها شده است. انقلاب‌هایی که از سال‌های گذشته در کشورهای غرب آسیا در مصر و تونس و ... شروع شده به‌دلیل نبود سازوکار مناسب در جریان گردش نخبگان همچنان این کشورها را دستخوش آشوب‌هایی نموده که گاه‌وبیگاه به دلیل دخالت بازیگران به بحران‌های داخلی تبدیل می‌شود؛ اما در مجموع همچنان به بحران مشروعیت و جابه‌جایی نظام سیاسی این کشورها منتج نشده است. خروج آمریکا و یا کم‌رنگ شدن حضور این کشور در سوریه، عراق و افغانستان به‌واسطه تغییر اولویت سیاست‌های منطقه‌ای این کشور، حاکمیت لرزان سیاسی کشورهای بحران‌زده منطقه، کاهش افراط‌گرایی در منطقه و همکاری بازیگران منطقه در موضوع انرژی می‌توانند از پیش‌نشانگرهای این سناریو باشند.

#### ۴-۲. پیشنهادها

رئیس‌جمهور دموکرات آمریکا در اولین سخنرانی پس از انتخابات بر مبارزه با کرونا، آشتی ملی، بهبود وضعیت اقتصادی و ایجاد فرصت برای همه اقشار کشور و مبارزه با

تبعیض نژادی سخن گفت<sup>۱</sup>، اگرچه او در سخنرانی خود در هفتم ژانویه ۲۰۲۰ در نیویورک ایران را به حمایت از تروریسم متهم کرد<sup>۲</sup> اما بایدن، اکثریت دموکرات‌های کنگره و تیمی که برای فعالیت‌های چهارساله خود چیدمان کرده است تمایل به بازگشت به برجام برای اصلاح چهره آمریکا در سطح نظام بین‌الملل در عین مهار ایران در منطقه دارند، چنانچه سناتور باب مندز گفته بود: «برای بازگشت به برجام باید به سایر فعالیت‌های خطرناک و بی‌ثبات‌کننده ایران توجه شود و معتقدم که باید با یک رویکرد جامع با همکاری متحدانمان در اروپا و منطقه به سایر موضوعات مرتبط پرداخت»<sup>۳</sup> همچنین وی در اولین سخنرانی خود در مورد سیاست خارجی آمریکا که در محل وزارت امور خارجه این کشور برگزار شد نامی از ایران و برجام نبرد؛<sup>۴</sup> در این ارتباط اگرچه برخی این امر را ناشی از یکسو نبودن نهادهای مرتبط با ایران در حاکمیت آمریکا دانسته‌اند اما توجه دادن به تفاوت سیاست‌های آمریکای کنونی با روسیه و نیز برخورد با چین از موضع قدرت این گمانه‌زنی را تا حدودی رد می‌نماید، به هر تقدیر به نظر می‌رسد در عین بهبود نسبی شرایط که می‌تواند گشایش‌های اقتصادی اندکی را برای کشور فراهم نماید، بی‌تدبیری احتمالی در برخورد با مسائل منطقه‌ای و جهانی احتمالاً بتواند اجماع جهانی علیه ایران را به دنبال داشته باشد. با توجه به ویژگی‌های روش کوئست (دیده‌بانی سریع محیطی) که در این پژوهش به کار گرفته شده و امکان ارائه راهکارهایی برای مدیریت موضوع مورد بحث در خلال جلسات خبرگی فراهم می‌شود، راهکارهای زیر برای پیشینه کردن منافع ج.ا.ایران در منطقه پرآشوب غرب آسیا با توجه به آینده آن پیشنهاد می‌شود:

(۱) مدیریت تعارضات منطقه‌ای و دسته‌بندی و اولویت‌بندی آن‌ها از سوی

سیاست‌گذاران؛

1. <https://donya-e-eqtasad.com/2021/2/11/>

2. <https://www.mashreghnews.ir/news/1399/11/3>، سخنان کمتر شنیده شده بایدن در مورد ایران

3. <https://www.irna.ir/news/1399/11/1>، گزینه‌های کابینه بایدن در مورد ایران چه گفته‌اند؟

4. <https://www.asriran.com/fa/news/1399/11/4/>، غیبت ایران و برجام در اولین نطق سیاست خارجی بایدن

(۲) دیپلماسی فعال، هوشمندانه و منعطف و توجه به ظرفیت‌های دیپلماسی غیررسمی؛<sup>۱</sup>

(۳) حمایت هوشمندانه از جریان مقاومت به‌عنوان نماد اصلاح‌طلبی واقعی در جهان اسلام و ایستادگی در مقابل محور سازش؛

(۴) مقابله با ائتلاف کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی علیه ایران با اجرای هم‌زمان بسته‌هایی شامل اقدامات بازدارنده، دیپلماسی فعال و نیز همکاری‌های نظامی مشترک با این کشورها برای جلوگیری از نزدیکی بیشترشان به رژیم؛

(۵) حفظ نقش نظامی مستشاری در مناطق پیرامونی توسط ج.ا.ایران در کنار اقدامات اعتمادساز برای کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس؛

(۶) رصد و تقویت شیعیان در کشورهای عربی منطقه و مدیریت شکاف‌های قومی قبیله‌ای؛

(۷) توسعه اقتصادی با نگاهی به افزایش چسبندگی اقتصادی با نظام بین‌الملل و توجه به بهبود وضع اقتصادی داخلی، ایجاد شغل در مناطق جدار مرز و اهل سنت با توجه به سرمایه‌گذاری بیگانگان در جداره‌ای مرزی.



## فهرست منابع

## الف. منابع فارسی

۱. اسلاتر ریچارد و همکاران (۱۳۸۶)، *نواندیشی برای هزاره نوین*، ترجمه عقیل ملک‌فر و همکاران، تهران، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
۲. برادفیلد رون، (۱۳۸۶) *سناریوها برای کسب موفقیت، تسهیل فرایند بسط سناریو: چند درس برای تسهیل‌گران*، ترجمه مسعود منزوی، تهران، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۳. بصیری محمدعلی، آقامحمدی زهرا، (۱۳۹۶) *آینده‌پژوهی خاورمیانه طی سه دهه آتی*، تحلیل روندهای مقابله با تروریسم در سطح بین‌الملل، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، دوره ۹، شماره ۳۱.
۴. بل وندل، (۱۳۹۲) *مبانی آینده‌پژوهی*، ترجمه مصطفی تقوی، محسن محقق، تهران، انتشارات مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
۵. بوزان باری و ویور اولی. (۱۳۸۸) *مناطق و قدرت‌ها، ساختار امنیت بین‌الملل*؛ تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۶. ترابی، قاسم و موسوی نقلی مژگان (۱۳۹۶) *سناریوهای پیش‌روی سوریه و امنیت ایران، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، سال ۶، شماره ۱.
۷. جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۸) *چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه*، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
۸. جعفری سید امیر، یزدانی عنایت اله و بصیری محمدعلی (۱۳۹۷) *تبیین بازتولید منازعه جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در جنوب غرب آسیا در عصر پسابرجام؛ بازگشت به نواقع‌گرایی، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا*، شماره ۳۴.
۹. چامسکی، نوام (۱۳۹۷) *امپراتوران و دزدان دریایی، عهد کهن و عصر جدید، تروریسم بین‌المللی در جهان*، ترجمه محسن عسکری جهقی، تهران، نشر ثالث.
۱۰. چرماک توماس جی، (۱۳۹۳) *برنامه‌ریزی بر پایه سناریو*، ترجمه سعید خزایی و مریم وکیل زاده، اصفهان، انتشارات شاخص پژوه.
۱۱. خسروی، غلامرضا (۱۳۸۷) *آمریکا و خاورمیانه راهبردها و چالش‌ها*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۱۲. خسروی، ملک تاج، خسبانی یزدانی احسان (۱۳۹۸)، *آینده عراق و سناریوهای مربوط به آن ۲۰۱۰-۲۰۲۰، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، سال ۱۲، شماره ۶۶.
۱۳. دهشیار، حسین (۱۳۸۷) *الگوهای امنیتی در خاورمیانه، فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، شماره ۴ و ۱.
۱۴. سازمند، بهاره (۱۳۸۹) *نظریه موازنه قدرت والتز، نقد و بررسی کارآمدی آن در عصر حاضر، فصلنامه روابط خارجی*، سال دوم، شماره چهارم.
۱۵. شیرخانی، محمدعلی؛ مهاجر پور، حامد (۱۳۹۱) *واقع‌گرایی و نقش منابع انرژی در سیاست خارجی، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌الملل*، دوره ۴، شماره ۱۳.
۱۶. صادقی سیدشمس‌الدین، لطفی، کامران (۱۳۹۵) *بحران یمن، جدال ژئوپلیتیکی محور محافظه‌کاری با محور اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی*، دوره ۵، شماره ۱.
۱۷. صالحی حمید (۱۳۹۱) *بیداری اسلامی و تکوین نظم نوین منطق‌های در خاورمیانه، فصلنامه مطالعات راهبردی*، دوره ۱۵، شماره ۵۵.
۱۸. عبدالله خانی، علی (۱۳۹۰)، *امنیت منطقه‌ای خاورمیانه، رویکردها و الزامات*، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
۱۹. علی پور جواد و قیطاسی سجاد (۱۳۹۶) *آینده پژوهی بحران سیاسی- امنیتی سوریه بر پایه سناریونویسی، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال هفتم، شماره چهارم.
۲۰. قاسمی فرهاد و ماله‌میر احمد (۱۳۹۱) *تأثیر محیط راهبردی خلیج فارس بر طراحی نظام بازدارندگی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال دهم، شماره ۴۰.
۲۱. کورنیش، ادوارد (۱۳۸۸) *آینده پژوهی پیشرفته*، ترجمه سیاوش ملکی‌فر، تهران، انتشارات صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
۲۲. گلن جروم سی و گوردون تئودور جی (۱۳۹۳) *دانشنامه بزرگ روش‌های آینده‌پژوهی*، ترجمه مرضیه کعبادی و فرخنده ملکی‌فر، تهران، انتشارات تیسرا.
۲۳. لیونبرگ فردریک (۱۳۹۰) *روش‌های تحقیق و نگارش پایان‌نامه*، ترجمه دکتر وجه‌الله قربانی راده، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
۲۴. ملکی‌فر، عقیل و همکاران (۱۳۸۵)، *الفبای آینده‌پژوهی*، تهران، انتشارات اندیشکده آصف.
۲۵. مصلی‌نژاد عباس (۱۳۹۱)، *پیامدهای بی‌ثباتی امنیتی بر موازنه قدرت در خاورمیانه، ژئوپلیتیک*، دوره ۸، شماره ۳.



۲۶. منتظران جاوید، قربانی سعید (۱۳۹۵) آینده‌پژوهی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در بستر تحولات ژئوپلیتیکی، تمامیت ارضی و بحران‌های داخلی عراق، *مجله سیاست دفاعی*، سال بیست و چهارم، شماره ۳۰، تهران.
۲۷. منتظران، جاوید و قربانی. (سعید ۱۳۹۶) سناریوهای پیش روی آینده عراق و تحلیل دورنمای حقوقی بین‌المللی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، دوره ۷، شماره ۲۴.
۲۸. میرحسینی سید محسن، رحیم‌پور اصل ایرج (۱۳۹۸)، سناریوهای پیش روی ایران در بحران‌های سوریه و عراق و راهبردهای برون‌رفت از آن‌ها، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی (مطالعات راهبردی جهانی‌شدن) مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری*، دوره ۹، شماره ۳۰.
۲۹. مینایی، حسین و هادی‌نژاد، فرهاد (۱۳۹۷) روند پژوهی تهدیدهای آمریکا علیه ایران، *فصلنامه آینده‌پژوهی دفاعی*، سال سوم، شماره ۸.
۳۰. نادری‌نسب، پرویز (۱۳۸۹) چالش‌های روابط ایران و عربستان در منطقه، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۰، شماره ۱.
۳۱. نعیمی ارفع، بهمن، (۱۳۷۰)، *مبانی رفتاری شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی ایران*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۳۲. نظری زاده فرهاد، میرشاه ولایتی فرزانه (۱۳۹۰) *پوشش محیطی، دیده‌بانی و رصد محیط بیرونی سازمان*، تهران، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۳۳. نوروزی محسن، امیری مقدم، رضا، فیاضی داوود و امینی سید جواد (۱۳۹۸) سناریوهای تهدیدات امنیتی عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، تهران، *فصلنامه امنیت ملی*، سال ۹، شماره ۲.
۳۴. نوروزی، محسن، امینی سید جواد و مبینی دهکردی عبدالله (۱۳۹۸) آینده‌پژوهی مدیریت تهدیدات امنیتی عربستان در منطقه غرب آسیا؛ کنشگران و عوامل شتاب‌زا، *فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی*، سال سوم، شماره ۹.
۳۵. نوروزی، محسن، امینی سید جواد، سلیمی حسین و مبینی عبدالله (۱۳۹۸) کاربست روش‌های آینده‌پژوهی در مطالعات امنیتی؛ استفاده از روش GBN، *فصلنامه علمی امنیت ملی*، سال دهم، شماره سی و پنجم.

## ب. منابع انگلیسی

1. Ayustns Richard Norton (1995). *Civil Society in the Middle East*, (New York: E.Y. Brill,
2. Buzan, B. (2003). **“Regional Security Complex in the post-Cold War World”**. In Soderbaum, F. & Shaw, T. (Eds.) *Theories of New Regionalism*. New York: Palgrave Macmillan Press.
3. Buzan, B. & Weaver, O. (2003). ***Regions and Powers: The Structure of International Security*** (4th Ed). Cambridge: Cambridge University Press.